

Women Endowments of the Constitutional Functions until the End of the First Pahlavi, Case Study: Female Benefactor of Tehran

Elham Malekzade*

Assistant Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, malekzadeh.elham092@gmail.com

Marziyeh Afrafar

MA of History, Research Institute of History Sciences, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, wictor_68@yahoo.com

Abstract

This study investigates the functions of endowments from the constitutional era to until the end of the first Pahlavi in Tehran. The dynamics of the waqf (endowment) during Islamic era led to the prosperity of culture and economy, and even the cultural spheres of society. After the Constitutional Revolution and the political and social changes of the Iranian society, Waqf has also evolved and has gained a new place in cultural and social relations. This research seeks to identify, in addition to identifying the functions of the women's endowments from the Constitutional period to the end of the first Pahlavi period, the features of the women's endowments of Tehran in this era, as well as (on the basis of existing documents) the areas included. In the process of this study, it was concluded that women were the main influential activists during social changes in the constitutional era and the first Pahlavi period and their endowments in the studied periods include significant differences, depending on the changes in attitudes, motivations of benefactors and social demands. In addition, it seems at least 20% of the endowment documents in the constitutional and Pahlavi era in Tehran were owned by women and at the same time, due to changes in the first Pahlavi era, female benefactors according to the social needs, gradually focused their attention on the social dimensions.

Keywords: Waqf, Female Benefactor of Tehran, Constitution, The First Pahlavi, Functions of Endowments

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم
شماره دوم (پیاپی ۳۵)، پاییز ۱۳۹۶، صص ۲۵۷-۲۷۱
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۹/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۱

کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول (نمونه پژوهی: موقوفات زنان تهران)

الهام ملک‌زاده* - مرضیه افرافر**

چکیده

پژوهش حاضر کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول و به‌طور نمونه زنان واقف شهر تهران را بررسی می‌کند. پویایی وقف در دوران اسلامی، به رونق فرهنگ و اقتصاد و حتی حوزه‌های فرهنگی جامعه انجامید. پس از انقلاب مشروطه و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، وقف نیز متحول شد و در مناسبات فرهنگی و اجتماعی، جایگاه جدیدی به دست آورد.

این پژوهش در پی آن است تا علاوه بر شناسایی کارکردهای موقوفات زنان از دوره مشروطه تا پایان دوران پهلوی اول، دریابد که موقوفات زنان تهران در این ادوار چه ویژگی‌هایی داشت و همچنین براساس اسناد موجود، چه حوزه‌هایی را دربرمی‌گرفت.

نتیجه حاصل از این پژوهش بیان‌کننده آن است که زنان واقف در دوره مشروطه و دوران پهلوی اول، از اصلی‌ترین کنشگران مؤثر بر تحولات اجتماعی بودند که موقوفاتشان در این دو بازه زمانی مختلف، تفاوت‌های معناداری داشت. بررسی اسناد موجود نشان می‌دهد که در این زمان، زنان مطابق با تغییرات جامعه پیش می‌رفتند. تحول در نوع نگرش، انگیزه‌های واقفان و مطالبات اجتماعی حاکم از علت‌های اصلی این تفاوت‌ها بود و در عرصه وقف، پایه‌گذار تحولاتی برای دوره‌های بعد شدند. به‌نظر می‌رسد که حداقل ۲۰ درصد اسناد وقفی تهران در دوره مشروطه و پهلوی اول متعلق به زنان است؛ درعین حال با تغییرات دوره پهلوی اول، واقفان زن بنابه نیازهای اجتماعی، موقوفات خود را به‌تدریج در ابعاد اجتماعی متمرکز کردند. روش پژوهش توصیفی همراه با تجزیه و تحلیل داده‌ها و با تکیه بر اسناد به‌دست‌آمده است.

واژه‌های کلیدی: وقف، زنان واقف تهران، مشروطه، پهلوی اول، کارکرد موقوفات

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، (نویسنده مسؤول) malekzadeh.elham092@gmail.com

** کارشناس ارشد گروه تاریخ، پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران victor_68@yahoo.com

مقدمه

در غرب، زنان تا سال ۱۹۰۰م/۱۲۷۸ش از نظر قانونی حقی نداشتند و اگر زن مالی را فراهم می‌کرد، متعلق به شوهرش بود (ویل دورانت، ۱۳۸۵: ۱۵۰)؛ اما زنان ایران در ادوار تاریخی مختلف، در عرصه‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حضور مؤثر داشته‌اند. وقف در جایگاه نهادی اجتماعی و مدنی، یکی از عرصه‌هایی بود که زنان از دیرباز در آن نقش بسیار مهم و کلیدی داشتند و اکنون نیز دارند. با توجه به این مسئله که وقف نهادی اجتماعی است، در کشورهای مختلف چارچوب‌های قانونی متفاوت و متناسب با فرهنگ آن کشور و سرچشمه گرفته از مبانی قانونی آنها، ضوابط و احکام این رفتار اجتماعی را مشخص می‌کند (Heap and others, 2016: 5).

در این پژوهش^۱ تلاش شده است به زنان واقف ایران و موقوفات آنان در زمان مشروطه و پهلوی اول توجه شود، آن هم به علت تحولاتی که در این دوران رخ داد؛ همچنین به علت پایتخت بودن تهران در این بازه زمانی، مکان در این پژوهش شهر تهران در نظر گرفته شده است. در دوره زمانی موضوع بررسی، زنان از طبقات و قشرهای مختلف جامعه و در بخش‌های گوناگون و متناسب با نیاز زمان، با وقف بخشی از اموال و دارایی خود، در جامعه مشارکت فعال داشتند. وقف زنان کارکردهای متنوعی داشت؛ بنابراین در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نقش مهمی ایفا کرد. با وجود تعدد موقوفات مربوط به زنان در کشور، این موقوفات کمتر به صورت علمی شناسایی و بررسی شده‌اند. بخش وسیعی از موقوفات زنان خاص عزاداری ائمه اطهار و به خصوص امام حسین (ع) است (شاطری، ۱۳۸۷: ۷۹ و ۸۰)؛ اما همانند سایر موقوفات، مصارف موقوفات زنان نیز متعدد و متنوع

است. از مسجد، پل، حمام، تکیه، آب‌انبار و اشجار موقوفه تا درمانگاه، بیمارستان، کتابخانه و مدرسه همگی پدیده‌های جغرافیایی‌اند که در ارتباط با پیش و فرهنگ اسلامی و ملی، هر کدام کارکردی مثبت در جامعه دارند.

در طول تاریخ، ساخت مدارس و تأمین هزینه اداره آنها از مسائل بسیار مهم در کانون توجه واقفان بوده است. در آغاز اسلام و تا سال‌ها پس از آن، مکان تعلیم و تعلم در نزد مسلمانان مساجد و منازل بود و مدرسه به معنی امروزی آن وجود نداشت. بعدها باهدف تعلیم و تربیت اطفال، جنب مساجد مکتب‌هایی به وجود آمد که آن را «کتاب» می‌نامیدند. کتاب یعنی شاگردان مکتب که به طور مجاز به مکتب نیز اطلاق شده است (احمدبن سلمان، ۱۳۵۸: ۲۵)؛ برای مثال در کشور چین که از کشورهای پیشتاز در زمینه وقف است، مسلمانان یعنی مهم‌ترین گروه‌های وقف‌کننده در این کشور، در گذشته بیشتر وقف‌های خود را به ایجاد مساجد تخصیص می‌دادند^۲ (Song and others, 2016: 3).

بررسی تاریخیچه وقف در اسلام نشان می‌دهد که در طول دوره‌های تاریخی، واقفان متعدد املاکی را بر مدارس علوم دینی وقف می‌کردند؛ به گونه‌ای که مدارس مهمی همچون مدارس نظامیه در بغداد، مدرسه بیهقیه و سعیدیه در نیشابور و مدرسه الفاضلیه در قاهره که از مدارس مهم و معتبر جهان اسلام بودند و در ترویج فرهنگ و علوم اسلامی در جهان اسلام نقش مؤثری ایفا کرده‌اند که به کمک درآمد موقوفات اداره می‌شدند (ساعاتی، ۱۳۷۴: ۲۰ و ۲۱).

درباره زنان واقف تهران در دوره مدنظر، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است که حاوی اطلاعات مستقیمی در این زمینه باشد؛ باین حال در برخی آثار، اطلاعات پراکنده‌ای در حوزه زنان، وقف و شهر تهران

بیست و پنج هزار رقبه در نقاط مختلف کشور از زنان خیر به یادگار مانده است. این آمار دربرگیرنده موقوفاتی است که تاکنون شناسایی و ثبت شده است و به طور حتم، تعداد واقعی بیش از اینهاست (خسروی، ۱۳۷۴: ۴). به صورت دقیق تر باید گفت که در شهر تهران از ۲۰۴۲ سند وقفی، ۳۲۸ سند متعلق به دوره مشروطه است. از این تعداد، ۷۷ نمونه آن به زنان مربوط می شود که وقف آنها را یا خود این زنان به صورت مستقیم انجام داده اند یا براساس وصیت یا به صورت چند نفره یا توسط فردی دیگر اما به وصیت یک زن انجام شده است. در واقع، ۲۳ درصد اسناد وقفی تهران در دوره مشروطه مربوط به زنان است. همچنین ۱۷۸ سند وقفی مربوط به ۱۶ سال حکومت رضاشاه است که ۴۷ نمونه آن را زنان انجام داده اند؛ به دیگر سخن، ۲۶ درصد وقف های زمان پهلوی اول مربوط به زنان است. در مجموع، از ۵۰۶ سند مربوط به سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ ش/ ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱ م، تعداد ۱۲۴ سند یا به عبارتی ۲۴ درصد، متعلق به زنان این دوره است. با توجه به اینکه در این دوران هنوز استقلال مالی زنان تثبیت نشده بود و آنها به صورت چشمگیر به عرصه های اجتماعی وارد نشده بودند، رقم درخور توجهی به شمار می آید. ناگفته نماند که واقفان ۱۷ سند از دوره مشروطه و ۱۱ سند از دوره پهلوی اول نامعلوم هستند که ممکن است از این تعداد بخشی نیز به زنان تعلق داشته باشد. بنابراین چنین تصور می شود که موقوفه های زنان در این بازه زمانی، بیشتر از آن تعدادی باشد که گفته شد.^۳

موقوفات زنان تهران و کارکردهای اجتماعی آن

عرصه وقف از عرصه هایی است که نقش زنان در آن بسیار پررنگ بوده است؛ اما کمتر به آن توجه شده

وجود دارد؛ از جمله پایان نامه «نهادهای خیریه و وقفی علی آباد کتول در عهد قاجار و پهلوی» که در آن به مسائلی از این قبیل اشاره شده است: شناسایی موقعیت جغرافیایی، قومیت ها، وابستگی موقوفات با یکدیگر، کارکردهای متنوع وقف و امور خیریه، مشکلات موجود و راه حل هایی برای استفاده بهینه با تکیه بر وقف نامه ها، نوع موقوفات، تعداد و درآمد آنها در ادوار مختلف، درصد افراد باسواد و ارتباط آنها با موقوفات و امور خیریه و همچنین نوع موقوفات در دوره قاجار و پهلوی (بهرآبادی، ۱۳۹۱).

پایان نامه دیگری با عنوان «کارکرد نهاد وقف در استان کرمانشاه در دوره قاجار» نیز نهاد وقف و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی آن در استان کرمانشاه (کنگاور، سنقر، صحنه، هرسین) را بررسی کرده است (دارایی نیا، ۱۳۸۸).

کتاب «مؤسسات خیریه رفاهی-بهداشتی در دوره رضاشاه» (ملک زاده، ۱۳۹۲) نیز عوامل مؤثر و نحوه تکوین مؤسسات خیریه رفاهی بهداشتی دوره رضاشاه را بررسی کرده است.

مقاله «زنان واقف در تهران عهد قاجار» نیز بدون ارائه اطلاعات مدونی از عملکرد واقفان زن، برخی از زنان واقف را در تهران عصر قاجار معرفی کرده است (ورنر، ۱۳۷۸).

زنان واقف تهران در دوره مشروطه و پهلوی اول

در فهرست راهنمای وقف نامه های استان تهران که بیشتر مربوط به دوران قاجار است، ۱۱۶۰ مدخل وجود دارد که نزدیک به ۱۷۰ مدخل آن، یعنی ۱۵ درصد، به نام زنان ثبت شده است (مطبعه چچی، ۱۳۸۷: ۶۶۳ تا ۶۶۵).

طبق آماري که سازمان اوقاف و امور خیریه منتشر کرده است، بیش از چهل هزار موقوفه شامل

است (شاطری، ۱۳۸۷: ۸۴). در این بخش از پژوهش، تلاش شده است تا در اسناد وقفی زنان در دوره‌های مربوط کنکاشی شود و سهم زنان در این امر مشخص شود؛ همچنین براساس اسناد مربوط، به کارکردهای اجتماعی موقوفات زنان در محدوده شهر تهران نگاهی شود.

هریک از نهادها و مراکز وقف‌شده، در شکل‌گیری نظام فکری و علمی جامعه نقش حائز اهمیتی داشته‌اند (امیدیانی، ۱۳۸۵: ۵۰). موقوفات زنان هم کارکردهای گوناگونی داشته‌اند؛ در واقع، بررسی مصارف موقوفات زنان بیان‌کننده تعدد مصارف آن در طول دوره زمانی موضوع بررسی است.

در وقف‌نامه‌های مربوط به زنان، انواع موقوفات و رقبات خانه، دکان، املاک، عمارت، باغ تا زمین مزروعی، نهر و حق‌الشرب، حمام، اموال منقول و... را شامل می‌شد.

نکته مهم آنکه در بسیاری از وقف‌نامه‌ها علاوه بر کارکرد اصلی مصرف موقوفات، اغلب کارکردهای دیگری را نیز ذکر کرده‌اند؛ یا درآمد موقوفه خود را به چند سهم تقسیم کرده‌اند و برای هر سهم مصرفی را در نظر گرفته‌اند. در واقع، بعضی از موقوفه‌ها برای هدفی معین و بعضی دیگر برای اجرای چند هدف وقف شده‌اند؛ به عبارت دیگر، از درآمدهای موقوفه استفاده چندمنظوره می‌کرده‌اند (شاه‌حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲ و ۱۳).

بسیاری از وقف‌نامه‌ها نه یک نفر که دارای چند واقف هستند و وقف‌نامه‌هایی نیز بنابه وصیت یک زن انجام شده است که در این پژوهش بررسی می‌شوند. در بسیاری از وقف‌نامه‌ها، حق‌التولیه و حق‌النظاره یکی از مصارف موقوفه است که در این پژوهش از ذکر آن در قالب کارکردی جداگانه خودداری شده است. برای روشن شدن نوع موقوفه و شرایط مربوط به نحوه اداره

و به‌کار بستن آنها و به‌منظور تشریح مفصل کارکردهای موقوفات زنان در دوره مشروطه و پهلوی اول، موقوفات تهران بررسی می‌شود.

کارکردهای موقوفات زنان تهران در دوره مشروطه به اموری همچون عزاداری، خیرات و مبرات، مخارج اطعام در حسینیه و مسجد و تکیه، وقف برای امامزاده، مخارج مقبره فرد مذکور، وقف بر اولاد و موقوفات صورت گرفته توسط اقلیت‌های مذهبی مربوط می‌شدند که در ادامه تشریح و تحلیل می‌شوند.

موقوفات زنان تهران در دوره مشروطه

عزاداری: در اکثر وقف‌نامه‌های دوره مشروطه درصد چشمگیری از مصارف برای اقامه عزاداری ائمه اطهار و به‌خصوص امام‌حسین (ع) اختصاص یافته است که به‌طور تقریبی، این وضعیت در تمامی موقوفات کشور مشاهده می‌شود (شاطری، ۱۳۸۷: ۸۸). این امر از اهتمام زنان به جریان عاشورای حسینی و تلاش در راستای احیای مفاهیم دینی این واقعه عظیم حامی است. نمونه آن وقف «حلیمه‌خاتون دختر فتح‌الله» در سال ۱۳۳۶ق/۱۹۱۷م است. حلیمه‌خاتون یک دانگ از باغ موروثی پدری واقع و کائن در محله اندرمانی‌ها در شهری را برای تعزیه‌داری وقف کرد (سند شماره ۱، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۷۰۰). در برخی اسناد بررسی شده، اصطلاح روضه‌خوانی به جای تعزیه‌داری آمده است که آشکارا نحوه مصرف وقف را نشان می‌دهد. این نوع وقف در عمل به معنای پرداخت دستمزد روضه‌خوان‌ها و نیز فراهم آوردن قهوه، آب و غذای مجانی برای جمعیت شرکت‌کننده در مراسم عزاداری است. وقف‌نامه «ام‌لیلاخانم دختر ولی محمد کنی کربلایی» نمونه‌ای از این دست است. در این وقف‌نامه قید شده است که مخارج روضه‌خوانی

تعزیه داری خامس آل عبا (ع) وقف کرده است (سند شماره ۵، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۲۸۷). دیگری سندی که براساس آن در شعبان ۱۳۴۲/۸ مارس ۱۹۲۴، چند بانوی واقف به نام های خورده خانم، عذرا، علیا، فاطمه، مرضیه و نبات املاک بازار کلایه ولات طالقان در ساوجبلاغ را برای همه شیعیان عزای خامس آل کسا (ع)، از ذاکران و مستمعان، وقف کرده اند (سند شماره ۶، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۲۶۷).

همچنین دو سند مربوط به عزاداری در شب های قدر است: یکی وقف نامه ای که محمد اسماعیل افجه ای بر حسب وصیت مادرش «خانم جانی» در ۵ جمادی الثانی ۱۳۲۶ ق/ ۵ جولای ۱۹۰۸ انجام داده است و در آن ذکر کرده است که همه ساله منافع عین موقوفه را در لیالی قدر صرف روضه خوانی و اطعام مومنان کنند (سند شماره ۷، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۸۰۲)؛ دیگری وقف نامه ای است که علاوه بر روضه خوانی و افطار در سه شب احیاء، روضه خوانی و اطعام دهه عاشورا را نیز شامل می شود. بقیه اسناد زنان در حوزه عزاداری دوره مشروطه، یعنی حدود ۹۵ درصد اسناد، همگی مربوط به عزاداری امام حسین (ع) در دهه عاشورا یا ایام محرم و صفر است.

. خیرات و میرات: فقر یکی از موانع عمده پیشرفت و سعادت انسان و به فعلیت رسیدن قوه ها و استعدادهاست. یکی از جاهایی که وقف قادر است به طور فعال وارد عمل شود و موانع سعادت و به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان را برطرف کند، در زمان فقر است (سلیمی فر، ۱۳۷۰: ۱۴۴). در دوره مدنظر، وقف زنان برای فقرا و مسکین ها و در کارکرد خیرات و میرات به خوبی مشهود است. نمونه آن وقف «حاجیه الفت خانم دختر میرزا محمد حسن خان سیستانی»

شامل اطعام دادن، قلیان، قهوه، اجرت روضه خوان و غیره است؛ این وقف در ۸ صفر ۱۳۳۷/۱۳ نوامبر ۱۹۱۸ صورت گرفته است (سند شماره ۲، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۸۵۵).

در بین سندهای زنان واقف مشروطه با کارکرد عزاداری، دو سند با عنوان «حبس» آمده است. باتوجه به اینکه در وقف «دوام» شرط است، حبس مدت مشخصی است؛ ضمن اینکه در وقف ملک از مالکیت خارج می شود؛ اما در حبس این گونه نیست. سند اول مربوط به ربیع الثانی ۱۳۴۱/ نوامبر ۱۹۲۲ است که در آن «ساره خانم دختر میرزا قاسم»، دو من ری زمین واقع در کلاک لواسان را برای تعزیه داری، حبس ۵۰ ساله کرده است (سند شماره ۳، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۱۳۶).

در سند دوم بنابر وصیت مونس آغا، حاج علی آقا پسر حاج محمد علی، مشهور به بزرگ، براساس وصیت مادرش دو دانگ قریه کریم آباد در قریه بلوک غار و دو دانگ دیگر از بابت ثلث موصی، هر دو از قریه های شهرری، را حبس ۹۹ ساله کرده است. این وقف که در ۲ شوال ۱۳۳۳/۱۳ اگوست ۱۹۱۵ نوشته شده است، علاوه بر تعزیه داری در خانه روبه روی درب آهنی صحن حضرت امامزاده حمزه، خیرات و میرات را هم ذکر کرده است. در واقع، وقف چند کارکردی است (سند شماره ۴، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۴۱۰).

در بین وقف نامه های زنان مربوط به عزاداری در دوره مشروطه، دو سند مربوط به عزای خامس آل کساء است. یکی سندی که «مرضیه خانم همسر حاج محمد تقی» در سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م، سه دانگ قطعه شمالی از شش دانگ باغ سبزیکاری در محله شاه غلامان، از محله زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم، را برای فقراء و ایتام و ابناء السبیل و همچنین

واقعۀ در طرف جنوب مسجد میانده واقع در کن و طرف غربی تکیه میانده و همچنین سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب قهوه‌خانه واقع در محله میانده، برای اطعام مسلمانان در تکیه محله میانده وقف شده است (سند شماره ۱۰، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۸۷۵).

. مخارج مقبره فرد مذکور: در برخی وقف‌نامه‌های زنان تهران در دورۀ مشروطه، نام فرد مدنظر واقف ذکر شده است و وقف برای مقبره او تعیین شده است؛ برای نمونه «کوکب درّی زوجه نائبات‌التولیه»، در ۲۴ ذیحجه ۱۳۳۷/۲۰ سپتامبر ۱۹۱۹ دو سهم شایع از کل سی و پنج سهم یک باب کاروان‌سرای کاشی‌ها واقع در میان بازار بزرگ را برای مخارج مقبره اشرف‌السلطنه، زوجه سابق نائبات‌التولیه، وقف کرده است (سند شماره ۱۱، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۱۱۴).

. وقف بر اولاد: وقف بر اولاد از دیگر نمونه‌های موقوفات زنان تهران در این دوره است. به‌طور کلی، تفاوت وقف بر اولاد با به‌میراث گذاشتن ملک یا بخشیدن آن برای فرزند در آن است که به ملک و دارایی نوعی تقدس داده می‌شود که تاحدی ممکن است آن را از دستبرد دیگران و حتی از مصادره دولت مصون نگه دارد. در این صورت، عین ملک به‌صورت وقف باقی می‌ماند و فرزند در حکم موقوف‌علیه از منافع آن بهره‌مند می‌شود و عین ملک نیز از تکه‌تکه شدن و تقسیم میان وارثان محفوظ می‌ماند. در دورۀ مشروطه، «پاشاخانم متعلقه سهراب‌خان نقدی» در تاریخ ۲۶ جمادى الاولى ۱۳۲۵/۱۹۰۷م، شش دانگ قریه ابراهیم‌آباد و چهار دانگ از شش دانگ قریه کردزار واقع در شهریار را وقف اولاد ذکور کرده است (سند شماره ۱۲، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۳۹).

است که چهار دانگ کاروان‌سرای واقع در چهارراه حسن‌آباد به‌انضمام چهار دانگ از دوازده درب دکان و قهوه‌خانه متصل به کاروان‌سرای مزبور را که از جنوب به خیابان باغ‌شاه و دروازه قزوین می‌رسید و از شرق به کوچه مریضخانه دولتی منتهی می‌شد، در ۷ جمادى الاولى ۱۳۳۹/۱۷ ژانویه ۱۹۲۱ وقف خیرات و مبرات کرد (سند شماره ۸، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۶۳۴).

برخی نیز برای صرف عایدات وقف در امور خیریه مختلف پیشنهادهایی داده‌اند؛ برای مثال «حاجیه‌شاه‌جهان‌خانم معروف به عقیف‌الدوله دختر میرزا مصطفی وکیل لشکر» این‌گونه وقف کرده است که بعد از نیم عشر که حق متولی است، منافع را دو قسمت کنند: یک قسمت را در تهران صرف تعزیه‌داری کنند؛ مانند اطعام مجلس تعزیه، چای، قلیان، ابتیاع آلات و اسباب تعزیه‌داری و اجرت روضه‌خوان و قسمت دیگر را در مطلق خیرات. سپس مشخص کرده است که مطلق خیرات از سادات و طلاب و تزویج کردن برای عزاب سادات و طلاب و زوار قبور ائمه کرام و کفن و دفن فقرا اموات و غیره از قبیل وقف کتب علمیه است. این وقف در ۲۰ جمادى الاولى ۱۳۲۶/۲۰ ژوئن ۱۹۰۸ صورت گرفته است (سند شماره ۹، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۹۶۶).

. مخارج اطعام در حسینیه و مسجد و تکیه: وقف مخارج اطعام، طعام عاشورا و عزاداران و همچنین اطعام صائمان را شامل می‌شد؛ مثل وقف «حلیمه‌خاتون‌خان زوجه ابوالقاسم کربلایی و برادرش مشهدی میرزا محمود». این وقف براساس وصیت پدر این خواهر و برادر، یعنی «مشهدی علی‌ابن اسدالله کنی»، در ۱۰ ربیع‌المولود ۱۳۲۵/۲۳ آوریل ۱۹۰۷ صورت گرفت. در این وقف‌نامه، شش دانگ یک باب دکه

کارکردها و مصارف وقف زنان در دوره مشروطه			
شماره	مصرف وقف	تعداد وقف	درصد
۱	عزاداری / روضه خوانی / تعزیه داری	۶۳	۸۱/۸۱
۲	خیرات و مبرات	۲۲	۲۸/۵۷
۳	مخارج اطعام در مسجد / تکیه / حسینی	۴	۵/۱۹
۴	مخارج مقبره فرد مذکور	۲	۲/۵۹
۵	وقف برای اولاد	۲	۲/۵۹
۶	وقف درمانی	۰	۰
۷	وقف برای امامزاده	۱	۱/۲۹
۸	وقف آموزشی	۰	۰
۹	اقلیت‌های مذهبی	۱	۱/۲۹
۱۰	واعظ	۰	۰
۱۱	ساخت قبرستان	۰	۰

(برگرفته از آمار موقوفات موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران).^۹

موقوفات زنان تهران در دوره پهلوی اول

کارکردهای موقوفات زنان تهران در دوره پهلوی اول نیز به اموری همچون عزاداری، خیرات و مبرات، مخارج اطعام در حسینی و مسجد و تکیه، مخارج مقبره فرد مذکور، وقف بر اولاد، موقوفات درمانی، وقف برای امامزاده، موقوفات آموزشی، موقوفات بر وعظ و واعظ و ساخت قبرستان مربوط می‌شده است که در ادامه تشریح و تحلیل می‌شوند.

عزاداری: در دوره پهلوی اول، وقف با کارکرد عزاداری مانند سابق ادامه پیدا کرد (شاطری، ۱۳۸۷: ۹۴)؛ حتی تک‌کارکردبودن یا چندکارکردبودن وقف عزاداری در هر دو دوره یکسان بود. به نظر می‌رسد حدود سه‌چهارم وقف‌های مربوط به عزاداری در هر دو دوره تک‌کارکرد بود و یک‌چهارم نیز چندکارکرد بود؛ اما این نکته مهم وجود دارد که در دوره پهلوی اول، تعداد وقف بانوان برای عزاداری کمتر از زمان مشروطه بود. شاید به این علت که با حرکت جامعه به

وقف برای امامزاده: در امتداد باورهای رایج جامعه ایران در دوره قاجار و بازه زمانی پس از انقلاب مشروطه، به‌واسطه توجه ویژه به مناسک و مراسم شیعی، به آنچه مظهر تشیع محسوب می‌شد نیز توجه می‌کردند؛ از جمله تعمیر و مرمت مزار امامان و امامزادگان. از این رو موقوفاتی بر این اماکن وقف می‌شد تا درآمد آنها علاوه بر تأمین هزینه مرمت و نگهداری بنا، دیگر مخارج این اماکن مقدس را مانند فرش، روشنایی، بوی خوش و حتی اطعام زائران فراهم آورد؛ نمونه آن موقوفه «شهربانوخانم دختر کربلایی نقی» است که در رمضان ۱۳۳۵ق/ ۲۱ ژوئن ۱۹۱۷، یعنی دوره پس از استقرار نظام مشروطه، به همین منظور وقف شده است. طبق این سند، یک قطعه باغ جنب عمارت مشهدی ذبیح‌الله و یک قطعه زمین مشهور به باغ میان در آغشت واقع در ساوجبلاغ، برای تعزیه‌داری از اول محرم تا آخر صفر و چهار اصله درخت صنوبر برای صرف امامزاده بی‌بی وقف شده است (سند شماره ۱۳، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۹۰).

اقلیت‌های مذهبی: در بین اسناد زنان واقف در دوره مشروطه، سندهای زنان وابسته به ادیان دیگر هم موجود است؛ از جمله سندهای دردسترس، سندی است مربوط به «فیروزه دختر خسرو نقی پاریسی»، از زرتشتیان تهران که شش دانگ یک باب خانه را برای انجام مراسم مخصوص زردشتی وقف کرده است. این وقف که در تاریخ ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵/ ۱۹۱۷م صورت گرفته است، از توجه زنان سایر ادیان در این دوره به امر وقف نشان دارد (سند شماره ۱۴، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۵۸). به‌طور کلی، کارکردها و مصارف موقوفات زنان تهران در دوره مشروطه را باید به این صورت به نمایش گذاشت:

سمت مدرنیت، در زمینه وقف نیز زنان به حوزه‌هایی توجه کردند که محصول مدرنیت و نیازهای جدید بود؛ یا تحت تأثیر محدودیت‌های حکومت، وقف در حوزه‌های دردرساز، مانند وقف برای عزاداری‌های ایام محرم و مانند آن، در اولویت فعالیت‌های آنها قرار نگرفت. با وجود این، سبک وقف عزاداری مانند گذشته ادامه پیدا کرد و وقف برای امام حسین (ع) در دهه عاشورا یا ایام محرم و صفر، همچنان بیشترین درصد، حدود ۹۲ درصد، وقف برای عزاداری را شامل می‌شد.

از نمونه‌های وقف زنان در این دوره، وقف «فاطمه‌خانم مظفر قاجار معروف به اقدس‌الدوله بنت مظفرالدین‌شاه» است. او که دختر شاه بوده است و به طبقه اشراف جامعه تعلق داشته است، یک خروار ملک در قریه چیدر واقع در شمیرانات را برای تعزیه‌داری در تکیه چیدر وقف کرده است (سند شماره ۱۵، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۴۷۵). این وقف در تاریخ ۲۳/۱۳۱۲/۱۳۳۳ نوامبر ۱۹۳۳ صورت گرفته است.

در بین اسناد موقوفات زنان در دوره رضاشاه، وقف‌نامه‌ای مربوط به خامس آل‌عباس و آن وقفی است که چند خواهر و برادر در شمیرانات انجام داده‌اند (سند شماره ۱۶، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۱۸۶). آنها موقوفه را برای روضه‌خوانی و برگزاری مجلس ذکر خامس آل‌عبا در ایام سوگواری و اطعام فقرا و تهیه لباس برای اطفال بی‌بضاعت وقف کرده‌اند. همان‌طور که در سند آمده است، این وقفی با چند کارکرد بوده است که علاوه بر عزاداری، کارکردهای دیگری را نیز شامل می‌شده است (سند شماره ۱۷، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۱۸۶).

البته در بین وقف‌نامه‌های زنان دوره پهلوی، سندی نیز وجود دارد که به عزاداری برای حضرت فاطمه (س)

اختصاص داشته است. در این سند، «صغری‌خانم دختر حاج‌سیدعلی فرش‌فروش کاشانی»، خانه‌ای را در خیابان آرامنه برای اطعام و افطاری در سه شب اعیان رمضان و برای روضه حضرت فاطمه (س) به مدت ده روز در هر سال وقف کرده است (سند شماره ۱۸، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۲۳۲).

. خیرات و میراث: نکته‌ای که در زمینه وقف خیرات و میراث دوره پهلوی اول دیده می‌شود آن است که برخی از موضوعات وقف مثل تزویج کردن افراد مجرد سادات و طلاب و... که در دوره گذشته رایج بود، در این دوره به امور عام‌المنفعه دیگری مثل رسیدگی به ایتم اختصاص یافت؛ برای مثال در وقفی که برحسب وصیت «مولود محقق‌الملوک نورعلیان مشهور به محترم‌السلطنه» انجام شده است، شش دانگ یک باب عمارت مشتمل بر بیرونی و اندرونی و طویله و دو باب حمام متصل به هم یکی آباد و دیگری مخروبه به انضمام دو دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه پلاک ۳۱۵۰ واقع در بخش ۹ واقع در شمیرانات، به مصرف خیرات و میراث از قبیل مصارف ایتم و معارف و سایر میراث به نظر اداره کل اوقاف رسیده است. این وقف به تاریخ ۳ دی ۱۳۱۹/۲۴ دسامبر ۱۹۴۰ مربوط است و محمدحاج‌خان محمدی برحسب وصیت محترم‌السلطنه این وقف را انجام داده است (سند شماره ۱۹، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۴۷۰).

فراوان بودن مقدار موقوفه‌ها از تعلق داشتن واقف به طبقات مرفه جامعه نشان دارد و این خود از نام واقفان مشخص است. در بسیاری مواقع نیز موضوع وقف به صورت بسیار کلی (مطلق خیرات و میراث) و بدون بیان چگونگی خرج عواید برای این منظور بیان شده است؛ نمونه آن سندی است که در آن خانم عینکچی

است و واقف آن، اشرفالملوک مجدی مشهور به فخرالدوله، دختر مظفرالدین شاه قاجار بوده است. فخرالدوله شش باب حجره تحتانی و شش باب بالاخان‌ها را در ناحیه هشت بازار جنب دالان مسقط‌فروشان، مشهور به دالان زرتشتی‌ها، برای مخارج مقبره میرزا محمدخان مجدالملک در زاویه عبدالعظیم وقف کرده است. این وقف در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۱۱/۱۹۳۰م انجام شده است (سند شماره ۲۲، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۲۰۵). با توجه به موقعیت اجتماعی واقفان این نوع وقف، این کارکرد برای وقف آنها طبیعی به نظر می‌آید.

. وقف بر اولاد: اغلب موقوفه «اولادی» با موقوفه «غلامی»^۶ مترادف بوده است. در واقع، منظور از فرزند اغلب فرزند پسر بوده است (سالک، ۱۳۷۲: ۴۲)؛ اما نکته جالب توجه سندی است که از دوره پهلوی اول، ۲۶ جمادی‌الآخری ۱۳۴۴/۱۱ ژانویه ۱۹۲۶، در دست است و در آن، «خدیجه سلطان‌خانم دختر محمدخان بیگلریگی» دو دانگ باغ وزیر نظامی در قریه دربند واقع در شمیرانات را بر اولاد ذکور آقاسیدابوطالب دربندی وقف کرده است و یک دانگ را نیز بر اولاد اناث و اناث از ذکور آن مرحوم وقف کرده است (سند شماره ۲۳، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه، شماره پرونده ۴۵). در واقع در این سند، وقف بر فرزندان اناث نیز شده است و واقف به صراحت، از «وقف بر اولاد اناث» نام برده است و این خود گواهی بر روند تغییرات فکری و اجتماعی صورت گرفته در این دوره است.

. موقوفات درمانی: وقف با کارکرد درمانی از جمله وقف‌های مهمی است که بیشتر در این دوره و با هدف اقدامی عام‌المنفعه در جهت رفع مشکلات بهداشتی و درمانی، در قالبی نوین و مدرن به آن توجه شده است. تحولات فکری و مطالبات جدید جامعه در دوران

در سال ۱۳۱۷ش/۱۹۳۸م، موقوفه خود را صرف خیرات و مبرات کرده است (سند شماره ۲۰، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۵۷).

نیازهای روز یا کمبودهای موجود در جامعه که در تغییرات اجتماعی حاصل شد، آرام‌آرام تغییر دید برخی واقفان را باعث شد و از این دوره به بعد، واقفان نه با ذکر موضوع وقف بلکه با واگذاری اختیار به متولی، عواید حاصل از وقف و موقوفه را به کارهای عام‌المنفعه یا همان خیرات و مبرات اختصاص می‌دادند. به عبارتی دیگر، براساس آنچه در وقف‌نامه‌ها آمده است، خیرات و مبرات برخی یا همه نمونه‌های زیر را شامل می‌شد:

تعمیر حمام، مسجد، قنات، معابر؛ اعانت به فقرا، مساکین و ابن‌السبیل؛ اطعام و تجهیز متوفی؛ انفاق بر زائران و سایر مصارف.

. مخارج اطعام در حسینیه و مسجد و تکیه: وقف با کارکرد مخارج اطعام در زمان پهلوی اول نیز وجود داشته است. نمونه آن وقفی است که «هاجر خواتون (مشهدی) دختر غلام علانینی» در ۲۷ محرم ۱۳۵۳/۱۹۳۵م انجام داده است. در این وقف‌نامه، منافع چهار من ری بذرافشان در صحرای قریه علانین لواسان واقع در لواسانات، برای طعام عاشورا در حسینیه قریه علانین وقف شده است (سند شماره ۲۱، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه، شماره پرونده ۹۵۳).

. مخارج مقبره فرد مذکور: در دوره پهلوی اول، حیطة فعالیت زنان در زمینه وقف با کارکرد مخارج مقبره فرد مذکور بیشتر شده است؛ اما آنچه مسلم است، واقفان این نوع وقف همگی به طبقات مرفه جامعه تعلق داشته‌اند و این امر از نام واقفان و موقوفه‌های آنان تشخیص داده می‌شود؛ برای مثال، وقف‌نامه «اشرف‌الملوک مجدی» که به دوره پهلوی اول متعلق

۵ آبان ۱۳۰۷/۱۲۷ اکتبر ۱۹۲۸ است (سند شماره ۲۴، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۵۸۵).

در اول مهرماه ۱۳۰۹/۲۳ سپتامبر ۱۹۳۰، نجم‌السلطنه بار دیگر موقوفاتی بر بیماران این مرکز و امور دیگر تخصیص داده است (سند شماره ۲۴، رونوشت وقف‌نامه در حاشیه وقف‌نامه اول، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۵۸۵). وقف‌نامه دیگری در این پرونده موجود است. این وقف‌نامه رونوشت وزارت دادگستری از سندی است که در تاریخ ۱۳۱۵/ش/۱۹۳۶م، در دفترخانه رسمی تنظیم شده است. محمد مصدق با این سند، سهامی از قریه مال‌میر اراک را برای خواهر و خیرات مادرش و نیز بیمارستان نجمیه وقف کرده است و تولیت و نظارت آن را به اولاد ذکورش واگذار کرده است (سند شماره ۲۵، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۵۸۵).

وقف‌نامه «ماه‌پاره‌خانم و همسرش» نیز از جمله وقف‌های با کارکرد درمانی در دوره پهلوی اول بوده است که براساس آن این خانم همراه با همسرش «حاج‌صدرالله‌خان یاور ربیع‌نژاد» در تاریخ ۱۳۱۱/۲۷ فوریه ۱۹۳۳، دو باب عمارت در ناحیه ده‌شهر نو در خیابان جمشید و کاروانسرای صدرآباد در ناحیه ۴ سنگلج نزدیک خیابان شاهپور مشهور به فرمانفرما، به‌انضمام چهار باب دکان در ناحیه یک ارگ خیابان باب همایون وصل به قورخانه آتش‌بازی را در قالب مریضخانه صدریه نسوان وقف کرده است که بیماری‌های زنان و فقرای زن در آنجا معالجه می‌شده است (سند شماره ۲۶، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۸۲۱).

وقف برای امامزاده: همانند دوره مشروطه، در دوران حکومت پهلوی اول نیز نمونه‌هایی از وقف بر امامزاده وجود داشته است. وقف‌نامه‌ای از دوره پهلوی اول و مربوط به تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۱۲/ش/۲۱ می ۱۹۳۳م در

مشروطه از یک‌سو و تغییرات ایدئولوژیک نظام حکومتی پهلوی اول با برنامه تحول اساسی در نوسازی کشور از سوی دیگر، در به‌وجود آمدن این‌گونه موقوفات تأثیر درخور توجهی داشته است. طی این ادوار موقوفات درمانی چندانی ظهور نیافته است؛ اما همان تعداد اندک، پیشگام این حوزه از فعالیت‌های عام‌المنفعه و وقف با محورهای مدرن در دوره بعد شده است. چنان‌که در دوره پهلوی دوم و در مقایسه با ادوار گذشته، میزان نقش آفرینی زنان واقف‌اندکی کاهش نشان می‌دهد؛ اما همان موقوفات محدود این دوره، بیشتر در حوزه وقف درمانی بوده است. به عبارتی دقیق‌تر، در دوره پهلوی دوم، عمده اقدامات وقفی زنان به وقف درمانی تعلق داشته است.

ملک‌تاج‌خانم ملقب به نجم‌السلطنه، یکی از دختران فیروزمیرزا پسر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه، از جمله واقفان زن در دوره پهلوی اول بوده است. در سال ۱۳۰۷/ش/۱۹۲۸م، نجم‌السلطنه به فکر احداث مریضخانه‌ای در باغی در ضلع غربی خیابان یوسف‌آباد افتاد و به دنبال آن، در ۱۶ آذر ۱۳۰۸/ش/۷ دسامبر ۱۹۲۹ بیمارستان نجمیه را افتتاح کرد. بیمارستان نجمیه اولین بیمارستان خصوصی تهران بود که نجم‌السلطنه نیمی از تخت‌های آن را وقف بیماران مستمند کرد (اتحادیه، ۱۳۸۸: ۲۳ تا ۲۷).

در وقف‌نامه اول، نجم‌السلطنه موقوفات بسیاری را با عنوان مریضخانه نجمیه بر عموم مرضای مملکت وقف کرده است. مشروط بر آنکه متولی تومانی یک قران آن را برای تعمیرات عمده اساسی، در بانک معتبری محفوظ کند؛ همچنین براساس مندرجات این سند، نجم‌السلطنه املاکی را در داخل و خارج شهر برای مصارف این مرکز و بیماران ضمیمه کرده است و تولیت و نظارت آن را به خود و خانواده‌اش واگذار کرده است. تاریخ این وقف‌نامه

پرونده ۲۲۳۱).

واقف آن نیز شاهزاده‌ای از خاندان‌های صاحب‌نام بازمانده از دوران قاجار و متعلق به طبقات مرفه جامعه بوده است. براین اساس به نظر می‌رسد در این زمان، هنوز وقف‌های آموزشی در بین زنان بیشتر مربوط به طبقات مرفه جامعه بوده است. روند تحولات فرهنگی به‌وجودآمده در جامعه، به مرور و آرام‌آرام تلبور می‌یافت؛ اما توجه به وقف آموزشی در این زمان، مؤید عملیاتی‌شدن همین تحولات است که ثمره کامل‌تر آن در دوره بعد، پهلوی دوم، بیشتر درخور مشاهده بود که موقوفات آموزشی زهراسلطان فرمانفرمایان (نظام مافی) از آن جمله بود^۷ (ملک‌زاده، ۱۳۸۴: ۹۴ تا ۱۰۳).

موقوفات بر وعظ و واعظ

وقف بر وعظ و واعظ از دیگر نمونه‌های وقف‌نامه‌های زنان واقف تهران در دوره پهلوی اول بوده است. در این دوره، نکته جالب این بود که مراسم مذهبی و برگزاری هرگونه مناسک دینی، از جمله مراسم وعظ و نوحه خوانی و عزاداری در ایام محرم و رمضان، با محدودیت جدی و تنبیه‌های اساسی مواجه بوده است؛ اما باین حال، نمونه‌های متعددی از این گونه موقوفات یافت می‌شود که از آن جمله وقف‌نامه‌ای است که طبق مفاد آن واقف، یعنی «ماه‌شرف‌خانم درخشانیان»، یک دانگ مشاع از شش دانگ قطعه باغی مشجر مشهور به باغ تخت‌درویش‌عبدالله واقع در اواخر صحرای دزج کن به‌انضمام نیم یک سهم مشاع و همچنین یک دانگ و نیم طوج آب از مجرای نهر بزرگ کن در گردش ده شبانه‌روز را «یک عشر حق متولی و نیم عشر حق ناظر» وقف کرده است که در یک ماهه رمضان یک نفر واعظ دعوت کنند که در یکی از مساجد به منبر برود و موعظه کند «و در سه شب

دست است که در آن «نادعلی‌بن‌فرهاد کوه‌افکن» از طرف همسرش «شاه‌جهان‌خانم»، نصف شش دانگ زمین خرمن واقع در آغشت در ساوجبلاغ را برای امامزاده بی‌بی قزلب و نصف دیگر آن را برای عزاداری وقف کرده است (سند شماره ۲۷، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۱۰۱۷).

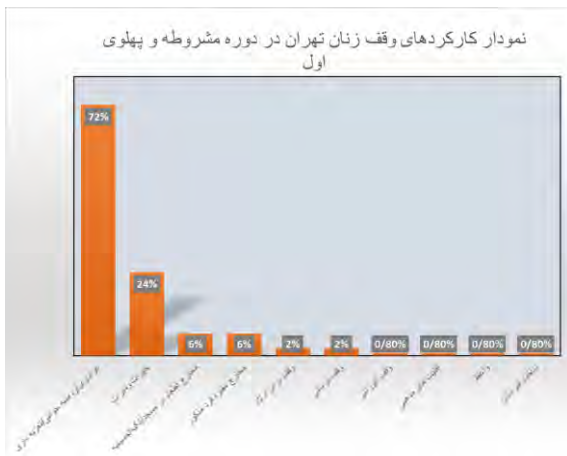
درباره نحوه تخصیص مخارج این اماکن نیز به طور اختصاصی باید به نمونه‌ای اشاره کرد؛ سند وقفی مذکور به یکی از واقفان زن در دوره پهلوی به نام «فاطمه خانم دختر کربلایی خداداد اتیربلاغی» تعلق دارد که یک قطعه زمین کاله واقعه در قرب امامزاده اظهرالدین واقع در ساوجبلاغ را برای کاه‌گل‌مالی و شمع و روشنایی و مخارج امامزاده اظهرالدین وقف کرده است. تاریخ این وقف اردیبهشت ۱۳۰۶ ش/می ۱۹۲۷ م است (سند شماره ۲۸، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۹۳۸).

موقوفات آموزشی: در مقایسه با کنش زنان واقف دوران پس از مشروطه، توجه به امر آموزش از موضوعاتی بود که زنان تهران در دوره پهلوی اول به آن توجه می‌کردند و این از دغدغه‌های اساسی ایشان به ارتقای سطح دانش و آگاهی دختران و زنان حکایت دارد؛ از جمله این موقوفات باید به وقف‌نامه‌ای از «نگین پرنیا» اشاره کرد که طبق مفاد آن، سه خروار گندم را از عایدات شش دانگ قریه کله‌کو و ملک گلشن‌آباد و ملک مهدی‌آباد گیلان برای هزینه معلمی وقف کرده است که به اطفال درس دهد. همچنین وقف مقبره مویدالسلطان و میرزاتقی‌خان در امامزاده تجریش نیز در وقف‌نامه آمده است. این وقف‌نامه در تاریخ ۲ تیر ۱۳۱۳/۲۳ ژوئن ۱۹۳۴ انجام شده است (سند شماره ۲۹، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره

نتیجه

زنان واقف که بخش مهمی از واقفان جامعه ایران بودند، همواره و در همه ادوار صاحب اثر بودند و در این عرصه نقش مهمی داشتند. با توجه به اسناد بررسی شده، درباره سهم بودن زنان در وقف آثار در دوره مدنظر پژوهش نیز باید ادعا کرد که در مقایسه با گذشته، سهم بودن زنان در امر وقف رشد درخور توجهی یافت؛ به طوری که از اسناد وقفی در دسترس این بازه تاریخی، حدود ۲۴ درصد به زنان تعلق دارد و این رقم در دوره پیش از موضوع این پژوهش تنها ۱۵ درصد بود.

نمودار کارکردهای وقف زنان تهران در دوره مشروطه و پهلوی اول^۹



طی دوره‌های موضوع این بررسی، زنان واقف تهران به مسائل اجتماعی، فرهنگی و مذهبی توجه بسیاری داشتند. با وجود آنکه حضور آنان در جامعه هنوز چندان محسوس و پررنگ نشده بود، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های این حوزه‌ها اثرگذار شدند؛ به این ترتیب که با تخصیص بخشی از دارایی خود برای امور فرهنگی مذهبی و کارهای عام‌المنفعه، بر روند اجرای این امور تأثیر گذاشتند.

قدر در هر شب لااقل بیست نفر از صائمین را اطعام دهند». تاریخ این وقف نامه ۳ بهمن ۱۳۱۳/۲۳ ژانویه ۱۹۳۵ است (سند شماره ۳۰، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۳۱۳).

ساخت قبرستان

از دوران موضوع بررسی تنها یک سند وقفی با کارکرد ساخت قبرستان در دست است که آن را هم «زهراخاتون همسر حیدر شمشکی» در ۱۰ دی ۱۳۱۹/۳۱ دسامبر ۱۹۴۰ وقف کرده است. در این سند، زهراخاتون قطعه زمینی واقع در لواسانات، در محله پایین شمشک نزدیک حمام را به نام قبرستان عموم مؤمنان وقف کرده است (سند شماره ۳۱، سازمان اسناد اوقاف و امور خیریه: شماره پرونده ۲۵۷۷).

باتوجه به آنچه گفته شد، کارکردها و مصارف موقوفات زنان تهران در دوره پهلوی اول به صورت زیر نمایش داده می‌شود:

کارکردها و مصارف وقف زنان در دوره پهلوی اول			
شماره	مصرف وقف	تعداد وقف	درصد
۱	عزاداری/روضه‌خوانی/تعزیه‌داری	۲۷	۵۷/۴۴
۲	خیرات و میرات	۹	۱۹/۱۴
۳	مخارج اطعام در مسجد/تکیه/حسینیه	۴	۸/۵۱
۴	مخارج مقبره فرد مذکور	۶	۱۲/۷۶
۵	وقف برای اولاد	۱	۲/۱۲
۶	وقف درمانی	۳	۶/۳۸
۷	وقف برای امامزاده	۲	۴/۲۵
۸	وقف آموزشی	۱	۲/۱۲
۹	اقلیت‌های مذهبی	۰	۰
۱۰	واعظ	۱	۲/۱۲
۱۱	ساخت قبرستان	۱	۲/۱۲

(برگرفته از آمار موقوفات موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه استان

تهران)^۹

پی‌نوشت

۱. این مقاله مستخرج از رساله ای با عنوان «بررسی عملکرد زنان واقف و تأثیر فعالیت آنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول (مطالعه موردی زنان واقف تهران)» تحت حمایت بنیاد خیریه راهبری آلا تدوین و نوشته شده است.
۲. مردم چین در سال‌های اخیر برای انجام وقف در زمینه صنعتی، علاقه فراوانی از خود نشان داده‌اند و آمار آن روبه رشد است و نقش وقف مردمی آنها در بخش صنعت و بخشش زمین برای انجام فعالیت‌های اقتصادی صنعتی نقشی چشم‌پوشی‌ناپذیر است (Song and others, 2016: 3).
۳. آمارهای ارائه‌شده براساس بررسی اسناد موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه است.
۴. لغت‌نامه دهخدا: [ی بُت ت ی] (ع ص مرکب، مرکب) آنکه به نیابت متولی تولیت موقوفه‌ای را تعهد کند.
۵. تمام آمارهای ارائه‌شده در دوره مدنظر، براساس بررسی اسناد موجود زنان واقف شهر تهران در سازمان اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه است.
۶. برای اطلاعات بیشتر: (ر. ک. سالک، محمدتقی، (۱۳۷۲)، سخنی درباره وقف و نگاهی به موقوفه غلامی، میراث جاویدان، اداره اوقاف و امور خیریه، ش ۲، ص ۴۰ تا ۴۵).
۷. ملک‌زاده در مقاله‌ای به نام «اقدامات خیریه و موقوفات زهراسلطان نظام مافی را تشریح کرده است.
۸. تمام آمارهای ارائه‌شده در دوره مدنظر، براساس بررسی اسناد موجود زنان واقف شهر تهران در سازمان اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه است.
۹. تمام آمار و جدول‌ها در دوره مدنظر را نگارندگان براساس بررسی اسناد موجود زنان واقف شهر تهران در سازمان اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه تهیه کرده‌اند.

زنان واقف دانسته یا نادانسته از جریان‌های حاکم بر روح جامعه پیروی می‌کردند؛ پس با دگرگون‌شدن نظام اجتماعی و فرهنگی و همچنین فراگیرشدن موجی از تجددخواهی و نوگرایی در جامعه و وضعیت جدیدی که وقف را نیز بی‌نصیب نگذاشت، زنان با نوع موقوفات خود و شروطی که برای آن قرار می‌دادند، در این جریان‌ها مؤثر بودند. ورود بیش‌ازپیش زنان به عرصه وقف در این محدوده زمانی و مکانی، از برداشته‌شدن گام مهمی در جهت مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی نشان دارد؛ به‌ویژه در دوره پهلوی اول. حوزه بهداشت و درمان از جمله نمونه‌هایی بود که زنان در آن حوزه وقف کردند. هدف آنان نیز اقدام در امور عام‌المنفعه به‌منظور رفع مشکلات بهداشتی و درمانی بود که در قالبی نوین و مدرن، نظیر تأسیس بیمارستان، صورت می‌گرفت. آموزش حوزه دیگری بود که زنان تهران در بازه موضوع بررسی و به‌ویژه دوره پهلوی اول کارکرد موقوفات خود را به آن تخصیص می‌دادند. این امر از دغدغه آنان به ارتقای سطح دانش و آگاهی دختران و زنان ناشی می‌شد. براین‌اساس چه در غالب تأمین هزینه آموزش و تحصیل و چه در غالب تأسیس مدارس، موقوفاتی در این زمینه صورت گرفت. ساخت قبرستان حوزه دیگری بود که در دوره پهلوی اول، زنان تهران از طریق موقوفات در آن وارد شدند. تمامی این سه کارکرد که این نمونه‌ها را ذیل امور عمرانی عام‌المنفعه قرار می‌دهد، از اندیشه مسئولیت اجتماعی فرد در برابر جامعه نشئت می‌گرفت. در این دوره‌ها هنوز کارکردهای موقوفات تفاوت چشمگیری با دوره‌های پیشین پیدا نکرده بود؛ اما همان تعدادی که وجود دارد، خود گواه بر واردشدن وقف زنان به عرصه نیازهای جدید اجتماعی است که از تحول در نگرش و تغییرات و مطالبات آرام‌آرام جامعه حکایت دارد. براین‌اساس، غالب و بیشترشدن این قبیل موقوفات جدید در دوره‌های بعد، دلیلی بر اثبات این مدعاست.

کتابنامه

الف. اسناد

- استان تهران، شماره پرونده ۴۷۵.
۱. سند شماره ۱، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۷۰۰.
۲. سند شماره ۲، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۸۵۵.
۳. سند شماره ۳، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۱۳۳۶.
۴. سند شماره ۴، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۴۱۰.
۵. سند شماره ۵، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۲۸۷.
۶. سند شماره ۶، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۲۶۷.
۷. سند شماره ۷، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۸۰۲.
۸. سند شماره ۸، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۶۳۴.
۹. سند شماره ۹، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۹۶۶.
۱۰. سند شماره ۱۰، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۸۷۵.
۱۱. سند شماره ۱۱، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۱۱۴.
۱۲. سند شماره ۱۲، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۳۹.
۱۳. سند شماره ۱۳، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۹۰.
۱۴. سند شماره ۱۴، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۵۸.
۱۵. سند شماره ۱۵، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۳۱۳.
۱۶. سند شماره ۱۶، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۱۸۶.
۱۷. سند شماره ۱۷، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۱۸۶.
۱۸. سند شماره ۱۸، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۳۳۲.
۱۹. سند شماره ۱۹، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۴۷۰.
۲۰. سند شماره ۲۰، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۵۷.
۲۱. سند شماره ۲۱، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۹۵۳.
۲۲. سند شماره ۲۲، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۲۰۵.
۲۳. سند شماره ۲۳، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۴۵.
۲۴. سند شماره ۲۴، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۵۸۵.
۲۵. سند شماره ۲۵، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۵۸۵.
۲۶. سند شماره ۲۶، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۸۲۱.
۲۷. سند شماره ۲۷، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۱۰۱۷.
۲۸. سند شماره ۲۸، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۹۳۸.
۲۹. سند شماره ۲۹، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۲۳۱.
۳۰. سند شماره ۳۰، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۳۱۳.

. سند شماره ۳۱، بایگانی اسناد سازمان اوقاف و امور خیریه استان تهران، شماره پرونده ۲۵۷۷.

ب. کتاب

- . ابوسعید، احمد بن سلمان، (۱۳۵۸)، مقدمه ای بر فرهنگ وقف، سازمان اوقاف و امور خیریه.
- . اتحادیه، منصوره، (۱۳۸۸)، زنانی که زیر مقنعه کلاهداری نموده اند؛ زندگی ملک تاج خانم نجم السلطنه ۱۳۱۱-۱۲۳۳ش/۱۳۵۰-۱۲۷۰ق، تهران: تاریخ ایران.
- . امیدیانی، سیدحسین، (۱۳۸۵)، تأثیر موقوفات در شکل دهی فضاهای شهری، تهران: فرهنگ و پژوهش.
- . ساعتی، یحیی محمود، (۱۳۷۴)، وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی، برگردان احمد امیری شادمهری، مشهد: پژوهش های آستان قدس رضوی.
- . سلیمی فر، مصطفی، (۱۳۷۰)، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی- اجتماعی آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- . شاه حسینی، پروانه، (۱۳۹۰)، وقف شناسی تهران از شهری اسلامی تا شهری مدرن، مشهد: پاپلی.
- . ملک زاده، الهام، (۱۳۸۵)، نگاهی به امور خیریه در دوره قاجار، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.
- . -----، (۱۳۹۲)، مؤسسات خیریه رفاهی- بهداشتی در دوره رضاشاه، تهران: تاریخ ایران.
- . ویل دورانت، (۱۳۸۵)، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خوئی، تهران: علمی فرهنگی.

- (مجموعه ۴ جلدی)، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه و اسوه.
- . خسروی، محمدعلی، (۱۳۷۴)، موقوفات زنان در ایران، فصلنامه وقف میراث جاویدان، س ۳، ش ۱۰. صفحه؟
- . سالک، محمدتقی، (۱۳۷۲)، سخنی درباره وقف و نگاهی به موقوفه غلامی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۲.
- . مطبعچی، سیدمصطفی، (آبان ۱۳۸۷)، جایگاه وقف در تحولات اجتماعی ایران: دوره قاجاریه، همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، اصفهان، ج ۳، (مجموعه ۴ جلدی)، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه و اسوه.
- . ورنر، کریستف، (۱۳۷۸)، زنان واقف در تهران عهد قاجار، ترجمه نسیم مجید قهرودی، فصل نامه وقف میراث جاویدان، س ۷، ش ۲۸.

د. پایان نامه

- . بهرآبادی، حجت، (۱۳۹۱)، نهادهای خیریه و وقفی علی آباد کتول در عهد قاجار و پهلوی، به راهنمایی محمد رادمنش، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- . دارایی نیا، شهناز، (۱۳۸۸)، کارکرد نهاد وقف در استان کرمانشاه در دوره قاجار، به راهنمایی نزهت احمدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، زبان های خارجی و تاریخ دانشگاه الزهراء.

ه. منابع لاتین

- . Heap shaun and others, (2016), Endowment inequqlity in public goods, economiletters, kings college: London.
- . Song malin and others, (2016), coal endowment resource and high coal consuming idustries, resources, conservation and recycling: university of anhui china.

ج. مقاله

- . جعفرزاده، طاهره، (آبان ۱۳۸۷)، نقش وقف زنان در توسعه اجتماعی و فرهنگی؛ مطالعه موردی: شهرستان های بیرجند، سریشه و درمیان، همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی، اصفهان، ج ۳،